



۲۰۲۰/۰۳/۲۶

اختر محمد یوسفی

## شکلگیری بحرانات دشمن در افغانستان؟

دشمنان خارجی افغانستان بخصوص آغازگران بحرانات نخست از همه کشور همسایه افغانستان ایران و پاکستان که در کشور ما منافع مستقیم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نامشروع دارند با کمک ارتباطات بین المللی و حلقات معین مرتبط داخلی افغان شان گاهی همگام مشابه و همزمان و گاهی هم متضاد و متفاوت اعمال تخریبی بیش‌رمانه خود را در افغانستان از مجرای های متعدد بر ضد منافع ملی میهن ما انجام میدهند.

فکتور ارتباطات پس پرده و قرار داشتن حلقات معین داخلی افغانستان که در نتیجه جنگ پنج دهه در خدمت دستگاہای اطلاعات خارجی قرار گرفته اند، آنان نه تنها اعمال خاینانه بر ضد منافع ملی افغانستان را انجام داده، بلکه مستقیماً آتش جنگ رقابتی بیگانگان را برای حفظ منافع شخصی و حلقوی شان تا سرحد نابود افغانستان ادامه میدهند.

از آنجائیکه این حلقات اجبر در مواضع دفاع منافع ملی کشور با ثبات قرار ندارند، بدون پیوند و غیر متعهد به حفاظت ارزشهای منافع ملی افغانستان می باشد. تغییر موقعیت شان بر حسب حفظ منافع شخصی و حلقوی شان از موقعیت به موقعیت دیگری صورت میگیرد. عدم ثبات آنان کشور را در مسیر بحرانات پی در پی و بی ثباتی کشانیده است. برای این حلقات اجبر در صورت حفظ منافع شخصی شان فرق ندارد که در کدام وقت، با کدام کشور روی موارد دوست و یا دشمن باشند.



بحران کنونی باغیان انتخابات با وجود اینکه درگذشته و هم در طی (۱۹) سال گذشته از حمایت مستقیم مالی و نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو برخوردار بودند، توانسته اند خصوصیات دوسره دبل اجنت خود را نیز دنبال کنند. بغاوتگران کنونی در روی پیش پرده مناسبات نمایشی خود را با ایالات متحده امریکا و ناتو حفظ کرده مگر در مرحله حساس پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو را نمی پذیرد. در پس پرده روابط محکم خود را با ایران، روسیه و ترکیه تاسرحد فراهم آوری کمکهای

مالی و حتی نظامی را در وقت ضرورت حفظ نموده اند. بغاوتگران اکنون بخاطر پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو را قبول ندارد و به کمکهای ایران، روسیه و ترکیه دلبسته اند.

از زمان آغاز جنگ داخلی ( از سال ۱۹۹۳ م ببعد) روسیه و جمهوری های شوروی، "اتحاد شمال" و بخصوص بعد از سال ۱۹۹۲ میلادی برهان الدین ربانی، احمد شاه مسعود و رشید دوستم را در جنگ علیه طالبان که در حمایت پاکستان و عربستان سعودی بودند کمک های روسیه، ایران و ترکیه را اخذ کرده است.



دشمنان خارجی افغانستان بخصوص آغازگران بحرانان نخست از همه کشور همسایه افغانستان ایران و پاکستان که در کشور ما منافع مستقیم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نامشروع دارند با کمک ارتباطات بین المللی و حلقات معین مرتبط داخلی افغان شان گاهی همگام مشابه و همزمان و گاهی هم متضاد و متفاوت اعمال تخریبی بیشرمانه خود را در افغانستان از مجرای های متعدد بر ضد منافع ملی میهن ما انجام میدهند.

فکتور ارتباطات پس پرده و قرار داشتن حلقات معین داخلی افغانستان که در نتیجه جنگ پنج دهه در خدمت دستگاههای اطلاعات خارجی قرار گرفته اند، آنان نه تنها اعمال خایانه بر ضد منافع ملی افغانستان را انجام داده، بلکه مستقیماً آتش جنگ رقابتی بیگانگان را برای حفظ منافع شخصی و حلقوی شان تا سرحد نابود افغانستان ادامه میدهند.

از آنجائیکه این حلقات اجبر در مواضع دفاع منافع ملی کشور با ثبات قرار ندارند، بدون پیوند و غیر متعهد به حفاظت ارزشهای منافع ملی افغانستان می باشد. تغییر موقعیت شان بر حسب حفظ منافع شخصی و حلقوی شان از موقعیت به موقعیت دیگری صورت میگیرد. عدم ثبات آنان کشور را در مسیر بحرانات پی در پی و بی ثباتی کشانیده است. برای این حلقات اجبر در صورت حفظ منافع شخصی شان فرق ندارد که در کدام وقت، با کدام کشور روی موارد دوست و یا دشمن باشند.

بحران کنونی باغیان انتخابات با وجود اینکه در گذشته و هم در طی (۱۹) سال گذشته از حمایت مستقیم مالی و نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو برخوردار بودند، توانسته اند خصوصیات دوسره دبل اجنت خود را نیز دنبال کنند. بغاوتگران کنونی در روی پیش پرده مناسبات نمایشی خود را با ایالات متحده امریکا و ناتو حفظ کرده مگر در مرحله حساس پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو را نمی پذیرد. در پس پرده روابط محکم خود را با ایران، روسیه و ترکیه تاسرحد فراهم آوری کمکهای مالی و حتی نظامی را در وقت ضرورت حفظ نموده اند. بغاوتگران اکنون بخاطر پیشنهادات ایالات متحده امریکا و ناتو را قبول ندارد و به کمکهای ایران، روسیه و ترکیه دلبسته اند.

از زمان آغاز جنگ داخلی ( از سال ۱۹۹۳ م ببعد) روسیه و جمهوری های شوروی، "اتحاد شمال" و بخصوص بعد از سال ۱۹۹۲ میلادی برهان الدین ربانی، احمد شاه مسعود و رشید دوستم را در جنگ علیه طالبان که در حمایت پاکستان و عربستان سعودی بودند کمک های روسیه، ایران و ترکیه را اخذ کرده است.

با ویتوی "روسیه" حکومت برهان الدین ربانی در سازمان ملل متحد چوکی خود را حفظ کرده توانستند، در حالیکه حکومت برهان الدین ربانی صرف در یک ساحه محدود در مرز افغانستان و تاجکستان موجود بودند و حتی عملیات هوایی خود را علیه طالبان از خاک تاجکستان انجام میدادند.



طالبان کنترل تمام ولایت کشور را در اختیار خود داشتند، افغانستان را به هدایت ملا محمد عمر از قندهار در کابل رهبری میکردند. کمپنی تیل امریکایی یونیکال با نمایندگان طالبان مذاکرات پی در پی انجام میدادند و نمایندگان خود را بحیث دیپلمات به کشورهای غربی فرستاده بودند، مگر غربیها برای شان حیثیت کورد دیپلوماتیک قایل نبودند. بعد از حوادث سپتمبر ۲۰۰۱، ایالات متحده "اتحاد شمال" را به حیث بدیل "طالبان" تعیین کرد، این "اتحاد نام نهاد" اتحاد شمال همزمان با بمباران طیارات امریکا و ناتو وارد میدان مقابله شدند این حمایت را اعلان کرده بودند با سلاح و مهمات ساخت روسی می جنگید. پوتین وقتی کنفرانس "بن" دایر شد، ربانی از فیض آباد بکابل آمد، گزارشات مطبوعاتی خبر داد که طیاره روسی هیاتی را به کابل فرستاد، تا یک روز قبل از کنفرانس بن، سفارت را فعال سازند و از طریق ربانی بدانند که چه می شود.

نقش تخریبی استخبارات ترکیه، ایران و روسیه در افغانستان مسندت و انکار ناپذیر است. در یک مطلب روزنامه "زویده دوچه سایتونگ" ۴ جنوری ۱۹۹۴م) تحت عنوان «هیچ امید برای افغانستان وجود ندارد»، که در سطر فوقانی صفحه روزنامه می نویسد، مدعی است که:

«افغان ها از مخالفین بیگانه هیچگاه ترس جدی نداشته اند. تا الحال هیچ کس بدان مؤفق نشده است، که این کشور آسیای میانه را مطیع خود سازد: در قرن ۱۹ قدرت جهانی برتانیه، در برابر مقاومت افغان ها شکست خورد. در قرن بیست هم، قدرت بزرگ شوروی. اما حال افغانستان را سقوط تهدید می کند. این کارگاه فقط ساخت دست خود افغان هاست. زیرا به همان شیوه لجوجانه و سرسختانه که علیه اشغالگران می جنگیدند، حال علیه همدیگر می جنگند... از زمانی که ۲۰ ماه قبل، حکومت کمونیستی نجیب الله سقوط داده شده است، جنگ گروپ های متخاصم علیه همدیگر، به زندگی بیش از ۱۰۰۰۰ ("ده هزار") انسان خاتمه داده است. اکثریت قربانی ها را افراد ملکی تشکیل می دهند. اینکه جنون افغانی قابلیت افزایش را داراست، روز تغییر سال نشان داد: ۳۰۰ کشته در یک آخر هفته، در پایتخت کابل در کم از کم شش محل قسمی، تقسیم شده است. یک حکومتار دهنده وجود ندارد. صدراعظم (هدف گلبدین حکمتیار) به خود حق می دهد،

که قصر رئیس جمهور زیر فیر راکت قرار دهد. جبهات و اتحاد ها دائماً تغییر می یابند. رئیس مذهبی دولت اسلامی، اعلان جهاد، جنگ مقدس را علیه متحد قبلی خود، جنرال وقت کمونیست، صادر می سازد. همین شخص در عین حال راه را نمی یابد، تا با جدی ترین مذهبی کشور، خودش را متحد سازد. ختم جنگ همه علیه همه پیشبینی شده نمی تواند. قدرت طلبی



شخصی، اختلافات "ایتنیکی"، جاه طلبی سیاسی قدرت های همسایه، نظیر پاکستان، ایران و ازبکستان، همه و همه اینها جنگ را زنده نگه می دارند. یگ امید، برای افغانسان وجود ندارد. در اخیر تجزیه کشور بوقوع پیوسته می تواند. «  
پاکستان، ایران، ترکیه و سایر خارجی ها تحریکات خویش را هدفمند صرف با سؤ استفاده از نام قوم و مذهب به شیوه تفرقه به پیش میبرند، مگر بجز حلقات معین همکار مربوط به دستگاه استخباراتی شان با دیگر افراد همان قوم و مذهب هیچ نوع دلسوزی خاصی ندارند.



### اول - پاکستان :

نمونه مثال مستند ترجع استخبارت پاکستان در بین شخصیت های "جهادی" قوم پشتون چنین است. در عکس اول طرف چپ گلبدین حکمتیار در پذیرایی گارد پاکستان، قوماندان عبدالحق در عکس وسط با افراش سر سنگها نشسته، و حامد کرزی با بینظیر بوتو.

در حالیکه هرسه گلبدین حکمتیار، قوماندان عبدالحق و حامد کرزی از قوم پشتون بودند استخبارات پاکستان در طی چهل و پنج سال متواتر تا اکنون از گلبدین حکمتیار مستقیماً حمایت میکند، مگر در نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی همزمان با آغاز عملیات ایالات متحده امریکا و ناتو با ورود قوماندان عبدالحق درافغانستان آی. اس. آی. پاکستان به طالبان اطلاع دادند و قوماندان عبدالحق را بصورت عاجل بقتل رساندند. بر علاوه پاکستان همان قاتلان قوماندان عبدالحق را (۱۸) سال حمایت کردند، تلاش دارند تا طالبان دوباره قدرت را در افغانستان بدست بگیرند.

**دوم- ایران :** مثال مستند ترجع اقوام هزاره و پیروان مذهب شیعیه را در افغانستان ببیند. درعکسهای زیر از راست داکتر عبدالواحد سرابی هزاره، درعکس وسط داکتر رمضان و بشردوست هزاره، بطرف چپ محمد محقق شاگرد مدرسه خمینی ایران هزاره.



### داکتر عبدالواحد سرابی هزاره، داکتر بشردوست هزاره، اخوند محمد محقق هزاره

در حالیکه هرسه شان از نگاه قوم هزاره هستند، مگر داکتر عبدالواحد سرابی و داکتر رمضان و بشردوست دارای تحصیلات دوکتورا بوده از اینکه افغانستان کشور خود را از دل و جان دوست دارند، مورد نظر و حمایت ایرانیان نیستند. ایرانیان برای اهداف شوم شان به کسانی مانند کریم خلیلی و اخوند محمد محقق ضرورت دارند که تا برای منافع ایران در افغانستان کارکنند و از حمایت ایران برخوردار باشند.

پای